

# ریشه بحران کشور در کجاست؟

عبدالله هروی

سرمقاله

## وضعیت نابسامان کارگران در افغانستان

محمد رضا هویدا

مردم افغانستان دیگر تقریباً عادت کرده اند به دولت‌مداری که به مناسبت های مختلف شعار و وعده می دهند و از مردم می خواهند تا به آنها فرصتی دیگر بدهند.

از روزهای مختلف ملی گرفته تا روزهای جهانی همانند روز کارگر و روز زن و روز محیط زیست و... همه فرصت هایی هستند برای دولت‌مردان افغانستان تا تعهد کنند که به وعده های شان عمل می کنند. اما کمتر وعده ای از جمله تعهدهای داده شده در دوره کمپاین های انتخاباتی و زمان به دست گرفتن دولت قدرت، عملی شده است. وضعیت برای بخش هایی از مردم رو به وخامت گذاشته است. مردانی که روزانه با دست های تپه و جیب های خالی به امید یافتن کار از خانه خارج می شوند و شامگاه جز سرفاکنده‌گی و شرمساری چیز دیگری برای تقدیم نمودن به خانواده خود ندارند، و خانواده هایی که برای رهایی از قرضداری و بی پولی به وعده های تیم های انتخاباتی دل خوش کرده بودند و اکنون جز یاس و برهبری آرزوهایشان دستاورد دیگری ندارند، و مردمانی که به امید امنیت و ثبات به پای صندوق های رای رفته بودند، همه از بهبود اوضاع و تاخیر در عمل نموده به وعده های انتخاباتی مایوس شده اند.

مناسبت هایی که پی در پی می آیند، برای اکثریت مردم افغانستان بی مفهوم و خالی از معنا است. مثلاً روز کارگر اگر تجلیل شود و بیانیه ای تکرار ایراد شود و یا حتی تجلیل نشود، برای کسانی که تغییری در زندگی شان ایجاد نمی شود، بی تفاوت است. کسانی که برای یافتن کار و نان راهی کشورهای خارجی می شوند و این راه جان می دهند، چه تفاوتی می کند که به خبری از رسانه های گروهی مبنی بر برگزاری یک سمینار یا محفل گوش دهند یا ندهند.

کارگران افغانستان در حقیقت قربانیان سیاست های نادرست اقتصادی هستند. برنامه ریزی نادرست اقتصادی و فساد اداری گسترده در کشور سبب شده تا از میلیاردها دالر پول های کمک شده به افغانستان، نه رشد و پیشرفت اقتصادی را شاهد باشیم و نه ثبات و امنیت را. وزارت خانه هایی که قادر نیستند وجوه پولی بوجه انکشافی خود را درست مصرف کنند، و در مواردی نیز مبالغ هنگفتی از سرمایه های ملی به خاطر تجملات و مصارف غیر ضروری به مصرف رسیده است، و کمتر هزینه ای برای ساختن فرصت های شغلی به مصرف رسیده است، چگونه می توانند، برای کشور برنامه درست اقتصادی بسازند.

بخش اعظمی از مهاجران افغانستان در حقیقت مهاجران اقتصادی هستند. این مهاجران به خاطر شرایط بد اقتصادی افغانستان را ترک می کنند تا بتوانند برای خانواده های خود حد اقل شرایط زندگی را فراهم کنند.

بخشی از این مهاجران هرگز به مقصد نمی رسند، شماری در داخل کشور توسط تروریست ها به کام مرگ فرستاده می شوند و شماری نیز در راه های پرخطر کشورهای خارجی یا غرق می شوند و یا به طرق دیگری جان می دهند.

سیاست های اقتصادی دولت افغانستان در حکومت ها بعد از طالبان، وضعیت قابل توجهی را نشان می دهد. آغازین سالهای حکومت های بعد از طالبان با رشد چند رقمی اقتصادی و همین گونه آمار رو به صعود سرمایه گذاری و کار در افغانستان شروع شد، و هر چه از این مدت گذشت، افت اقتصادی و کاهش سرمایه گذاری و ناامیدی از بهبودی اوضاع اقتصادی را شاهد بوده ایم. با گذشت هر سال از عمر حکومت های منتخب در افغانستان بعد از طالبان، بسته شدن و ورشکست شدن فابریکه های بیشتری را دیده ایم.

این امر بازارهای افغانستان را بیشتر متکی به واردات اجناس خارجی کرده است. کشورهای خارجی که روابط اقتصادی وسیع تری با افغانستان دارند از این نگاه سود سرسام آوری را به جیب می زنند.

آنان بی کیفیت ترین اجناس خود را به قیمت بالایی در افغانستان می فروشند. افغانستان برای همیشه تبدیل به مصرف کننده برای اجناس بی کیفیت کشورهای همسایه و دور و نزدیک می شود. کارگر افغانی می ماند و وعده ها و امیدهایی که دولت مردان برای او داده اند.

در روزهای اخیر وضعیت امنیتی کشور به شدت بحرانی شده بود و هنوز نیز شرایط کاملاً به حالت عادی برنگشته است. مخالفین مسلح در چندین نقطه از کشور دست به عملیات های تهاجمی و جمعی و نیز انتحاری زده بودند. مرکز این ناامنی ها و نگرانی های امنیتی در ولایات شمالی کشور و بخصوص ولایت قندوز و سرپل قرار گرفته بود. پیش از همه باید گفت که متأسفانه این ناامنی ها و تحركات مخالفین ادامه همه بحران چند دهه گذشته است که بخشی از زندگی مردم ما به شمار می آید. به معنای دیگر جنگ، ناامنی، خشونت، ویرانی، ستیزه جویی، بحران در زندگی اجتماعی و خصلت های فردی مردم ما نهادینه شده است.

هرچند رویدادهای اخیر در کشور در صورت ظاهر مربوط به تحركات مخالفین دارد و ناتوانی ها یا ضعف های که در مسئولان امنیتی نهفته است، اما واقعیت امر این است که این ناامنی ها را فقط در برخورد ها و منازعات نظامی و رقابت های سیاسی نباید خلاصه و محدود ساخت. آنچه در روزهای اخیر در بدخشان و قندوز و سرپل گذشت و یا می گذرد در واقع بخشی از بحران دراز مدتی است که ریشه های آن خیلی پیچیده تر و وسیع تر از آن است که بتوان آنرا در یک یا چند عامل و زمینه مشخص تصور نمود. در طی چند سال گذشته مرکز و محور ناامنی ها و خشونت ها و عوامل بازدارنده ای صلح، در مناطق جنوب کشور متمرکز بوده و از آنجا به تدریج به سایر نقاط کشور گسترش یافت. هرگاه این موضوع بصورت درست و منطقی مورد دقت و بررسی قرار گیرد، بسیاری از واقعیت ها روشن گردیده و راهکارهای مبارزه با ناامنی و چرایی آن نیز موثر تر خواهد بود. چنین گمان برده می شود وقتی درباره در ریشه یابی عوامل ناامنی، مواقع بازدارنده صلح و گسترش و تحکیم ارزش های دموکراتیک و در مورد پدیده های مثبتی چون تامین امنیت، بر قراری صلح، و سرزودت مردم افغانستان به صحت می شود، بسیار سطحی و عجولانه و شاری برخورد می شود.

در یک ارزیابی گذرا درباره ریشه های بحران و ناامنی که تنها منوط به رویدادهای اخیر نبوده و بلکه وضعیت کلی کشور را، در زمینه های مختلف را شامل می شود، می توان گفت یکی از دلایل عمده دوام جنگ و ناامنی همیشه این بوده است که تفاهل و سهل انگاری نسبت به دشمنان و دوستان در سیاست کشور وجود داشته است. این موضوع خود از فقدان اندیشه و باور مندی به سیاست ملی در کشور و تاریخ جامعه ما سرچشمه میگیرد. بطور مثال در نگرش مدیریت کشور امروز تعریف های متفاوتی از دشمن وجود دارد. برخی از مسئولین طالبان را که عامل عمده ناامنی در کشور شمرده می شود بعنوان مخالف سیاسی یاد می کنند یا موضع محافظه کارانه در برابر آن اتخاذ می نمایند. حالا این مخالف سیاسی خواندن و یا اتخاذ موضع محافظه کارانه به هر دلیل و علتی که باشد. پیامد این مسئله بطور قطع آن خواهد بود که در سیاست راهبرد قاطعیت و شفافیت لازم ظاهر نخواهد شد. و بدنباله آن نیروهای امنیتی نیز انگیزه و اراده شان در مقابله با مخالفین دچار تردید خواهد گردید. نکته دیگری که در این ارتباط قابل تامل است و از پیامدهای جدی عدم تعریف دشمن و دوست می باشد این است که پدیده های صلح و امنیت، از ناهادهای برجسته دولت ملت در جهان مدرن میباشد. از آنجایی که جامعه ما از وجود دولت ملی و جامعه ملی در تاریخ موجودیت خود محروم بوده است، بنابر این صلح و امنیت به معنی واقعی کلمه نیز در این سرزمین حکم فرما نبوده است و مردم افغانستان هیچ کاری در امنیت و آسایش خاطر زندگی نکرده اند. مرور کوتاه به وقایع تاریخی کشور نشان میدهد هرج و مرج و جنگ جزو زندگی مردم ما بوده و از همه مصیبت بارتر اینکه حاکمیت های سیاسی خود عامل بی ثباتی، ترویج نفاق و عامل تنش و بحران بوده اند.

یکی از عوامل دیگر بازدارنده صلح و ریشه های ناامنی در این سرزمین، وجود تفکر و تصور متحجرانه و جمود اندیشانه ای است که در قالب شریعت و پنداره های قبیله ای

با ارزشهای انسانی و دینی تلاش نشود و موفقیت بدست نیاید خشونت و تبعیض از این جامعه رخت بر نخواهد بست. مشکل دیگری که سبب گردیده است تا بحران ناامنی در روزهای اخیر شدت گیرد عدم انسجام و هماهنگی مدیران کلان کشور می باشد. متأسفانه مدت هفت ماه یا بیشتر می شود که کشور در خلاء مدیریتی و رهبری بسر می برد. عدم انسجام میان رهبران حکومت وحدت ملی سبب گردیده است که در ره های پایین اداره حکومت نیز انگیزه ها و اراده ها برای خدمت و تامین امنیت سست گردد.

همین انشقاق در بالا سبب انشقاق و چند دستگی در ره های پایین اداره گردیده است. دشمنان صلح و امنیت کشور از این مسئله نهایت سوء استفاده را نمودند. چنانچه بسیاری از گزارش ها حاکی از آنست که در بسیاری از نقاط مردم چون از کارگرد و مدیریت حکومت مایوس و سرخورده شده اند برای حل قضایای خویش به مخالفین روی آورده اند. مثال روشن از پیامدهای این عدم انسجام را ما در شهادت سربازان و نیروهای امنیتی در بدخشان شاهد بودیم. از همین روی می توان گفت که ما برای رسیدن به یک جامعه همگرا و صلح آمیز راه بسیار دشوار و طولانی را در پیش داریم. صلح و امنیت یک شعار سیاسی و یک عملکرد تزویر گرانه بیشتر محسوب نمی

تصور داریم. به تصور خیلی ها صلح یعنی فکر و مغز و اندیشه و رفتار بخشی از جامعه ما را در کام خود اسیر و گرفتار نموده است. این قشری گری و تجزیه گرایی در جامعه ما به اندازه ای عمیق است که حتا جوامع عقب مانده در برابر آن هیچ هستند. نمونه این تجزیه و سنت گرایی افراطی و تاسازگار با شرایط امروزی را متأسفانه در واقع تلخ و جانگاز فرخنده شاهد بودیم. این حادثه هرچند یک رویداد نظامی نبود اما امنیت روانی جامعه را بخصوص امنیت روانی زنان جامعه را که بخشی از اعضای جامعه به شمار می روند به شدت آسیب دیده و تا هنوز نیز اثرات آن قابل لمس است. هم چنین بخشی از دستگاه ها و امکانات امنیتی و قضایی وقت و انرژی ساخت درگیر همین قضیه گردیده است. به همین جهت بسیاری از آگاهان دینی و سیاسی تاکید دارند خشونت که امروز از سوی کسانی بنام دین و مذهب و شریعت بکار می رود، در هیچ یک از آموزه های دینی جایز دانسته نشده است. تبعیض و بی عدالتی، برتری جویی قومی و زبانی که خود را در نقاب شریعت و دموکراسی پنهان ساخته است در هیچ یک از آموزه های دینی وجود ندارد! خشونت و تبعیض، برتری جویی و سلطه گرایی های قومی و روحیه ضد ترقی و پیشرفت همه بازتاب و باز تولید کننده فرهنگ و تفکر تجزیه و تمیز و تفکر دینی است که خود را در نقاب شریعت مخفی ساخته است. تا در زمینه تغییر و زودودن این فرهنگ و روحیه مغایر

# شکل های مختلف ارتباطات انسانی

محمد احمدی

امروزه شبکه های کامپیوتری و تکنولوژی های نوین ارتباطی تولید و انتشار محتواها برای گروه های کوچک و در برخی موارد افراد را تسهیل کرده است. تفاوت مهم ارتباطات جمعی با ارتباطات عمومی نمی



است که ارتباطات جمعی به ویژه در شکل های سنتی آن یعنی رسانه های چاپی، رادیو، تلویزیون و سینما یک طرفه است و بازخورد محدود است. البته رسانه های سنتی تلاش کرده اند برای تطبیق دادن خود با محیط رسانه ای جدید شیوه های جدیدی برای دریافت بازخوردها به کار گیرند، مثلاً دریافت و انتشار پیامک ها در جریان پخش مستقیم یک برنامه رادیویی یا تلویزیونی، ولی به طور کلی رسانه های سنتی بر اساس ماهیتشان در بیشتر موارد امکان دریافت و انتشار فوری بازخورد ها را ندارند. مثلاً واکنش مخاطبان به یک مقاله منتشر شده در یک روزنامه یا سریال پخش شده از تلویزیون با تاخیر امکان انتشار از همان رسانه ها را پیدا خواهد کرد. از ویژگی های دیگر ارتباطات جمعی این است که در این شکل از ارتباطات هدف ارتباط برقرار کردن یا مخاطبان آتیه است و در برخی موارد این ارتباط به شکل هم زمان با میلیون ها فرد برقرار می شود (مثلاً پخش زنده یک مسابقه ورزشی). همچنین فرایندهای دروازه بانی اهمیت و تاثیر بسیار زیادی در این شکل از ارتباطات دارند.

بلافاصله دریافت می شوند، مثلاً چرت زدن افراد در جلسات سخنرانی یا بی قراری دانشجویان سر کلاس درس نمونه ای از بازخوردهای غیر کلامی هستند. ضمن این که در ارتباطات عمومی ارتباط گسری معمولاً فرصت دارد محتوای ارتباطی که قصد ارایه آن را دارد سازمان دهی و آماده کند. انواع ارتباطات راه دور که به واسطه تکنولوژی های مختلف امکان پذیر می شوند ارتباطات عمومی با واسطه کامپیوتر را ممکن می کنند، مثلاً کنفرانس های راه دوری (تله کنفرانس) که از طریق تکنولوژی های مختلف مبتنی بر شبکه های کامپیوتری و موبایلی امکان پذیر می شوند نمونه ای از ارتباطات عمومی با واسطه کامپیوتر هستند. شکل پنجم و آشنای ارتباطات، ارتباطات جمعی است. ارتباطات جمعی از طریق رسانه های جمعی روی می دهد. رسانه های جمعی شامل روزنامه ها، مجله ها، رادیو و تلویزیون، کتاب، صنعت سینما، صنعت موسیقی، اینترنت و بازی های کامپیوتری می شود. محتوای ارتباطات جمعی معمولاً از سوی سازمان های رسانه ای بزرگ (خصوصی، عمومی یا دولتی) آماده و منتشر یا پخش می شوند، هر چند

اکثریت و اقلیت درون گروه گسره شکل بگیرد. همچنین در گروه های کوچک خطرپذیری افراد افزایش پیدا می کند و ممکن است کارهایی که یک فرد به تنهایی شهادت انجامش را نداشت

شکل دیگر ارتباطات، ارتباطات دونفره یا میان فردی است. البته تفاوت ظریفی میان ارتباطات دونفره و میان فردی وجود دارد، هر چند در بسیاری از موارد آن ها را به جای هم به کار می برند. آن تفاوت این است که ارتباطات میان فردی در برخی موقعیت ها ممکن است میان بیشتر از دونفر روی بدهد. اما به بیان ساده ارتباطات دو نفره تبادل اطلاعات یا معنا میان دو نفر است، مانند هر شکلی از ارتباط میان فرد در موقعیت های مختلف روزمره (مثلاً گفتگوی دو نفر سر میز شام). گاهی این ارتباط شکل نوشتاری پیدا می کند مانند تبادل نامه میان دو فرد. گاهی نیز با واسطه وسایل الکترونیکی مانند تلفن ممکن می شود که به آن ارتباط نقطه به نقطه نیز می گویند. گاهی نیز این ارتباط به واسطه کامپیوترها و شبکه های ارتباطی مبتنی بر کامپیوتر ممکن می شود که به آن ارتباط میان فردی با واسطه کامپیوتر می گویند، مانند تبادل ایمیل یا گفتگو [چت] از طریق اینترنت.

شکل سوم ارتباطات گروه های کوچک است. هر فرد روزانه در گروه های کوچک مختلفی با دیگران ارتباط برقرار می کند. خانواده، جمع های دوستانه، گروه همکاران، تیم های ورزشی و ... نمونه هایی از گروه های کوچک هستند. در گروه های کوچک تمامی اعضا فعال هستند و در فرایندهای ارتباطی درون گروه (کم یا زیاد) مشارکت دارند. در عین حال در گروه های کوچک ممکن است در موقعیت های مختلف یکی از اعضای گروه رهبری گروه را بر عهده بگیرد (مثلاً پدر یا مادر خانواده). همین طور ممکن است اعضا در برخی موقعیت ها از مواضع یک عضو دیگر حمایت کنند یا علیه آن موضع بگیرند و موقعیت های

### کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفهال بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی

کارکاتوریست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان  
The Daily Afghanistan  
روزنامه  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Source